



---

شماره ۲۷

سال پنجم ژوئیه ۲۰۰۴



# شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

## مجله شبان

شماره ۲۷، سال پنجم، ژوئیه (جولای/یولی) ۲۰۰۴  
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،  
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

برای آنکه جلسات پرستشی ما باعث خشنودی خدا گردد. کتاب مقدس بارها در خصوص پرستش نادرست هشدار داده است و این امر ما را تشویق می‌کند تا توجهی جدی به درک موضوع پرستش از دیدگاه کتاب مقدس داشته باشیم. در این مقاله نخست از مجموعه مقالاتی که عنوانش را «پرستش خدا» گذاشته‌ام، خواهیم کوشید تعریفی را که کتاب مقدس از پرستش راستین به دست می‌دهد مورد بررسی قرار دهیم.

### اجزاء اساسی پرستش

عهدعتیق و عهدجدید برای پرستش خدا از کلمات گوناگونی استفاده می‌کند. وقتی تمام این کلمات را کنار هم قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم که پرستش در کتاب مقدس از سه جزء اساسی تشکیل شده است.

### جزء نخست

جزء نخست این است که پرستش «حالتی قلبی است». سلیمان می‌فرماید: «لیکن تو از خدا بترس» (جامعه ۵:۷). پرستش یعنی اینکه در قلب خود با ترس و احترام در حضور خدا سجده کنیم. (ص ۱۲)

مسیحی است، چرا که ایمانداران به‌هنگام پرستش است که این امید خود را ابراز می‌دارند که خدا فرمانروایی خواهد کرد و هر ناعدالتی به حضور تخت سلطنت او آورده خواهد شد. بنابراین، پرستش همانا واکنش مثبت ایمانداران به خدا و به کاری است که او برای ایشان انجام داده است. پرستش

## پرستش خدا

بخش ۱: پرستش خدا چیست؟

از کشیش تَت استیو آرت

کتاب مقدسی این نیست که شخص خدا را بپرستد تا از طریق آن چیزی دریافت دارد، بلکه به این سبب است که فقط خدا سزاوار پرستش می‌باشد. آنچه مرا بر آن داشته تا به موضوع پرستش خدا پردازم، اشتیاق قلبی من است

«ای خداوند، مستحقی که جلال و اکرام و قوت را بیابی» (مکاشفه ۴:۱۱).

پرستش، نبض زندگی مسیحی است چرا که هر فرد مسیحی آفریده شده تا پرستش کند. گناه موجب ویرانی پرستش گردید زیرا گناه سبب شد که بشر از خدایش جدا گردد و ارتباطش با او قطع شود. اما فدیة الهی

به واسطه مسیح، پرستش واقعی را بار دیگر برقرار داشت. به واسطه عهد نوین در خون مسیح است که گناهکاران می‌توانند بار دیگر با حمد به صحن‌های خداوند داخل شوند. رسالت کلیسا این است که پرستش راستین را بر روی زمین برقرار سازد. آن‌گاه که شعله‌های پرستش با حرارت شایستگی راستین الهی زبانه می‌کشد، شهادت کلیسا به عمق تاریکی نفوذ می‌کند، حتی در دور افتاده‌ترین نقاط زمین. پرستش طعمی است از آسمان، زیرا یوحنا رسول چون چشم به

آسمان بر افراشت، توده‌ای عظیم از مردمان از هر ملت را دید که در ستایش خدا می‌سراییدند (مکا ۷:۹-۱۲). در آسمان، همگان خدا را پرستش خواهند کرد و بدینسان شهادت خواهند داد که پرستش، نشان فرا رسیدن فرمانروایی او است. لذا پرستش وظیفه هر

(ص ۱ ❀)

نویسنده رساله به عبرانیان می‌فرماید: «بیا بید شکرگزار باشیم و خدا را با ترس و هیبت، عبادتی پسندیده نماییم» (عبرانیان ۲۸:۱۲، ترجمه هزاره نو). پرستش راستین باید همراه باشد با حسی عمیق از ترس از قدوسیت و قدرت مطلق خدا و فروتنی ما در حضور او که ما را محبت نمود و پسرش را فرستاد تا در راه ما جانفشانی کند.

### جزء دوم

جزء دوم، «بروز یافتن حالت قلبی» از طریق شکل‌های مختلف پرستش است. ما دعوت شده‌ایم تا در حضور او سجده کنیم: «بیا بید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود خداوند زانو زنیم» (مزمور ۹۵:۶). برای ستایش او باید لبهای خود را به کار ببریم: «خداوند را در هر وقت متبارک خواهیم گفت؛ تسبیح او دائماً بر زبان من خواهد بود» (مزمور ۳۴:۱). باید برای او سرود بسراییم: «برای خداوند سرود خواهیم خواند زیرا که به من احسان نموده است» (مزمور ۱۳:۶). سرود خواندن ما شهادتی است که در باره محبتمان به مسیح به یکدیگر می‌دهیم: «با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکرگزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید» (کولسیان ۳:۱۶). باید تمامی وجود خود را بیاوریم و در حضور او سجده کنیم و هر چه داریم به کار ببریم تا به همه اعلام نماییم که خدای ما کیست. خدا قوم خود را فرا می‌خواند تا با هم گرد آیند و پرستش نمایند تا در باره جامعه‌ای نوین الهی به جهان شهادت دهند: «از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم،

چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم...» (عبرانیان ۱۰:۲۵، هزاره نو). در پرستش گروهی، بدن مسیح می‌تواند به واسطه بنا و تشویق متقابل، عمل کند. با حضور مرتب خود در پرستش، به جهان شهادت می‌دهیم که متعلق به مسیح هستیم، و نشان می‌دهیم که به خداوندگاری عیسی مسیح و کلیسایی که در راه آن جانفشانی کرد، متعهد می‌باشیم.

### جزء سوم

سومین جزء این است که پرستش فقط ابراز احساسات به خدا یا اجرای اشکال مختلف پرستش نیست، بلکه «امری است که به عقل و اراده نیز مربوط می‌شود». پرستش فکر انسان را بسوی اسرار الهی هدایت می‌کند و ایماندار را با صفات پرهیبت الهی رو در رو می‌کند؛ پرستش، ایماندار را به توبه و اطاعت از اراده خدا فرا می‌خواند و واکنشی است به خدای ابدی که خود را به واسطه شخص مسیح و کار او آشکار ساخته است. پولس رسول می‌فرماید: «لَهْذَا، ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است» (رومیان ۱۲:۱). پرستش راستین همراه است با مکاشفه‌ای روحانی زیرا تا به رحمت‌های خدا در مسیح چشم ندوزیم، پرستش راستین صورت نمی‌گیرد. هیچ کس نمی‌تواند عیسی را خداوند بخواند مگر آنکه روح القدس این امر را بر او آشکار ساخته باشد. «خدا روح است و هر که او را پرستش کند، باید به روح و راستی بپرستد» (یوحنا ۴:۲۴).

### ثمرات پرستش

پرستش خدا سبب می‌شود که در قلب پرستش‌کننده ثمراتی حاصل شود. با اطمینان فراوان می‌توانیم بگوییم که پرستش مسیح مرهمی است برای تمام دردهای انسان. در پرستش راستین، انسان‌های متکبر فرا خوانده می‌شوند تا تمام وجود خود را به خدا تسلیم کنند و بطور کامل به او تکیه نمایند. به هنگام پرستش، وجدان خوابیده انسان با شعله قدوسیت خدا فروزان می‌گردد. با شنیدن موعظه کلام خدا، فکر خموده انسان که در اثر حماقت فلسفه‌های دنیوی همچون زمینی تشنه و خشک شده است، با حقایق آسمانی سیراب می‌گردد. «انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» (متی ۴:۴). ایمانداران هنگامی که پرستش می‌کنند، اغلب پی می‌برند که دل مجروحشان از سر نو یقین یافته که پسر محبوب خدا ایشان را پذیرفته و دوست می‌دارد. دل‌هایی که زمانی نسبت به رحمت خدا سخت شده بود و به روی آن بسته بود، بار دیگر به واسطه فیض خدا گشوده می‌شود؛ و دیوارهای تلخ کینه که مقدسین را از یکدیگر جدا می‌ساخت به دست کسی که جانش را در راه آنان فدا کرد فرو می‌ریزد. پرستش طعمی است از آسمان و وسیله‌ای است که خدا مقرر کرده تا بتوانیم از حضورش فیض ببریم و نامش را جلال بدهیم تا به ابد. ■

## طرز فکر رهبر (بخش یک)

### کشیش تَت استیو آرت

در دنیای ما، رهبران روشهای مختلفی را برای نفوذ بر دیگران آموخته‌اند. بعضی‌ها از موقعیت یا مقام خود سود می‌جویند تا زیردستان خود را بسوی هدف سوق دهند. بعضی دیگر از طریق چاپلوسی یا تشویق نابجا یا ایجاد حس تقصیر، احساسات اشخاص را تحریک می‌کنند تا کاری را به‌واسطه ایشان به‌انجام برسانند. برخی دیگر نیز بر این باورند که اگر به مردم آنچه را که نیاز دارند بدهید، به شما گوش داده، اجازه خواهند داد که رهبری‌شان کنید. اما تمام این روشها اساساً روشهای بشری برای هدایت افراد است و از الگوی کتاب مقدس برای تشویق افراد به پیروی از مسیح فاصله بسیار دارد. رهبران مسیحی دعوت دارند تا این روشهای دنیوی را کنار گذارده، از روش الهی برای رهبری قوم او استفاده کنند. ایشان باید مردم را به گونه‌ای رهبری کنند که حاضر باشند اهداف خدا را در زندگی‌شان تحقق بخشند.

یک رهبر مسیحی زمانی می‌تواند در خدمت خود مؤثر باشد که طرز فکر خداوند عیسی مسیح را در پیش بگیرد: «همان طرز فکر را داشته باشید که مسیح عیسی داشت» (فیلیپیان ۵:۲). طرز فکر رهبر بیانگر بلوغ شخصیت مسیحی او و موفقیتش در مقام خدمتگزار مسیح است. زمانی که طرز فکر شخص با طرز فکر مسیح همسو گردد، می‌توانیم یقین داشته باشیم که فکر و عمل او شبیه خداوندش می‌باشد و خصائلش نمونه خوبی است از آنچه که موعظه می‌کند و تعلیم می‌دهد.

اما نخست ببینیم «طرز فکر» چیست. طرز فکر آن نقطه نظر یا دیدگاه شخص است نسبت به یک مسأله؛ طرز فکر آن زاویه‌ای است که از آن به امور می‌نگریم. اگر شهر نیویورک را از هواپیما از ارتفاعی بسیار زیاد نگاه کنید، صفحه‌ای طلایی خواهید دید؛ اما اگر در خیابانهای آن راه بروید، شهری چون زباله‌دانی خواهید دید؛ این به‌علت زاویه یا دیدگاه (محل دید) یا نقطه‌ای است که از آن به «مسأله» نگاه می‌کنید. در مورد خدمت نیز همین امر صادق است. اگر به مسائل از دیدگاه الهی بنگرید، همه چیز طلایی به‌نظر می‌رسد، اما اگر از دیدگاه بشری به آنها بنگرید، چیزی جز شکست نخواهید دید.

رهبری به روش مسیحی برای این دنیا امری است رازگونه. دنیا بر این تصور است که موفقیت شخص بستگی به قابلیت‌های او دارد. درست است که قابلیت‌های شخص تعیین‌کننده موفقیت او است،

### مطالب این شماره:

- پرستش خدا  
(بخش ۱) (تَت استیو آرت) ..... ص ۱
- طرز فکر رهبر  
(بخش ۱) (تَت استیو آرت) ..... ص ۲
- کتاب مقدس و تربیت فرزند  
(بخش ۱) (تَت استیو آرت) ..... ص ۳
- درسی از جام ملت‌های اروپا  
(آلبرت بابایان) ..... ص ۵
- کتاب مقدس و اعضای  
کلیسای ما (آرمان رشدی) ..... ص ۷
- تأملاتی در زمینه انجیل‌ها  
(بخش ۲) (آرمان رشدی) ..... ص ۹

### مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تَت استیو آرت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.  
P.O. BOX 471736  
Aurora, Colorado 80047-1736  
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11  
Fax: +1-303-873 62 16  
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

# کتاب مقدس و تربیت فرزند

## بخش نخست

### نوشته کشیش تیت استیو آرت

احترام خود را در نظر ما از دست می‌دادند. ● دوم، می‌دانیم که اکثر کسانی که به مسیح ایمان می‌آورند، در سنین کودکی به این ایمان می‌رسند. کودکان ما میدان مهمی برای خدمت می‌باشند و لازم است که در ایشان حس گرسنگی برای خدا را ایجاد کنیم. بهترین راه برای نیل به این هدف، این است که واقعیت‌های ملکوت خدا را در زندگی و در روابط زناشویی خود به ایشان نشان دهیم. بهترین کاری که می‌توانید برای فرزندانان انجام دهید، این است که همسر خود را دوست بدارید، زیرا فرزندان زمانی احساس امنیت می‌کنند که اطمینان بیابند که پدر و مادرشان یکدیگر را دوست می‌دارند و حضور مسیح در زندگی‌شان امری واقعی است.

● سوم، بسیاری از عادات و ارزشها در دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند؛ لذا تعیین محدودیت و انضباط کردن فرزندان می‌تواند منجر به انضباط شخصی ایشان در دوره‌های بعدی زندگی‌شان گردد. آنانی که در کودکی تحت هیچگونه انضباطی نبوده‌اند، اکثراً در بزرگسالی از زندگی منضبطی برخوردار نمی‌شوند و به موفقیتی دست نمی‌یابند.

● چهارم، فرزندان ما اکثراً پلی هستند بسوی دیگران و می‌توانند نور مسیح را با خود حمل کنند. به یاد دارم که یک بار از شخصی پرسیدم که چگونه بسوی مسیح آمده است. (☪)

زندگی فرزندان ما به این خدمت وابسته است. تربیت فرزند همچون کار باغبانی است؛ اگر علف هرز را دفع کرده، درخت را هرس کنید، می‌توانید انتظار میوه خوب داشته باشید؛ اما اگر باغتان را به حال خود واگذارید، بی‌شک چیزی جز علف هرز نصیبتان نخواهد شد. اما بسیاری از والدین همین روش اخیر را در خصوص تعلیم امور الهی به فرزندان خود در پیش می‌گیرند؛ می‌گویند که مسائل مذهبی و الهی را به فرزندان خود تعلیم نمی‌دهند تا وقتی بزرگ شدند، خودشان تصمیم بگیرند که به چه چیزی می‌خواهند ایمان داشته باشند. اما حقیقت این است که خدا از ما می‌خواهد که فعالانه به تربیت فرزندان خود همت بگماریم و به ایشان نه فقط تعلیم دهیم که خدا کیست، بلکه تعلیم دهیم که چگونه باید طبق خواست او زندگی کنند. کتاب امثال می‌فرماید: «طفل را در راهی که باید برود تربیت نما، و چون پیر هم شود، از آن انحراف نخواهد ورزید» (امثال ۶:۲۲).

### دلایل اهمیت تربیت فرزند

برای این امر، دلایل متعددی در کتاب مقدس وجود دارد.

● نخست، فرزندان که مؤدب و موقر هستند، باعث شادی والدین و برکت دیگران می‌باشند. همه ما کودکانی را دیده‌ایم که قابل کنترل نیستند و اگر حقایق بر ما آشکار می‌شود، والدینشان

می‌گویند که مسیحیت همواره یک نسل با فروپاشی فاصله دارد. این بدان معناست که مسیحیان این وظیفه مهم را بر عهده دارند که عشق خود را به مسیح به فرزندان خود منتقل سازند. وقتی موضوع تربیت فرزندان مطرح می‌شود، اکثر والدین کمتر به این فکر هستند که فرزندانشان را به روش مسیحی تربیت کنند، و همان روش و الگوی والدین خود را تکرار می‌کنند. بعضی‌ها نیز به روش والدینشان در تربیت خود واکنشی افراطی نشان می‌دهند، و بر آن می‌شوند که اشتباه آنان را تکرار نکنند؛ بعضی دیگر نیز کورکورانه روش آنان را تکرار می‌کنند. برای آنانی که در خانواده‌ای غیرمسیحی پرورش یافته‌اند، این مسأله بگونه‌ای بسیار حاد مطرح است که روش والدین خود را در تربیت فرزند تکرار نکنند، بلکه الگوی کتاب مقدس را به دقت پیروی کنند تا فرزندان خود را به شیوه‌ای خداپسندانه پرورش دهند. هدف ما از این مجموعه از مقالات این است که تعلیم کتاب مقدس را در باره تربیت فرزند بررسی کنیم و مسؤولیت بزرگ والدین در دنیای مدرن و موقعیتی را که والدین مسیحی با آن مواجه‌اند، درک کنیم.

### از مهم‌ترین خدماتها

تربیت فرزند قطعاً یکی از مهم‌ترین خدمات‌هایی است که خدا بر دوش ما گذارده؛



پاسخش باعث حیرت من شد؛ گفت: «پسرم از منزل دوستش که خانواده‌ای مسیحی دارد به خانه بازگشت و از من پرسید که آیا به بهشت خواهم رفت یا نه.» این سؤال ساده از سوی یک بچه، سبب شد که این شخص به جستجوی پاسخ بر آید. فرزندان ما پلی مؤثر هستند به زندگی دیگران.

## تکرش الهی به فرزندان

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که باید فرزندان خود را از دیدگاه الهی بنگریم. دنیای ما اغلب فرزندان را از چشم‌انداز مواهب اقتصادی که به‌همراه می‌آورند یا رضایت عاطفی که پدید می‌آورند، می‌نگرد؛ اما خدا از ما می‌خواهد که ایشان را پاداش یا موهبتی الهی بدانیم (مزمور ۳:۲۷). در کتاب پیدایش، آدم و حوا دستور یافتند که بارور و کثیر شوند و زمین را با فرزندان خود پر سازند؛ لذا فرزند برکتی است از جانب خداوند (پیدایش ۱:۲۸). وقتی والدین فرزندان خود را در طریق خدا تربیت می‌کنند، ایشان باعث برکت والدین خود می‌شوند (امثال ۱۷:۶؛ ۲۸:۳۱). در «ده فرمان» آمده که فرزندان باید والدین خود را تکریم کنند و این امر به‌نوبه خود، باعث برکت ایشان می‌گردد، چرا که می‌فرماید: «تا روزهای تو در زمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، دراز شود» (خروج ۱۲:۲۰). والدینی که فرزندان خود را در طریق خدا تربیت می‌کنند، باید این را به خاطر داشته باشند که فرزندانشان واقعاً از آن ایشان نیستند. فرزند برای مدتی به والدین سپرده می‌شود تا ایشان دل و زندگی او را در راههای خدا شبانی کنند؛ اما کل فرایند تربیت فرزند بر این استوار است که او نهایتاً به خداوند توکل کند و از اتکای تام به والدین رها شود.

الهی پیروی کنیم، باز هیچیک از اینها تضمین نمی‌کند که فرزند ما آنگونه بار آید که آرزویش را داریم. واقعیت این است که خدا فرزند ما را با اراده‌ای آزاد آفریده و هر کودکی باید مسئولیت اعمال خود را تقبل کند. بچه‌های ما ممکن است علی‌رغم تمام تلاشهای ما، به راه دیگری بروند و ما را دلشکسته سازند. اگر فرزندانمان از طریق خداوند و زندگی خداپسندانه منحرف شوند، معمولاً فکر می‌کنیم که تقصیر ما بوده است.

به یاد دارم که یک بار می‌کوشیدم مادری دل‌داری دهم که به حال فرزندش و قصورات اخلاقی او می‌گریست. خدا مرا هدایت کرد که از او بپرسم: «پدر آدم و حوا که بود؟» فوراً پاسخ داد: «خدا!» پرسیدم: «آیا فرزندانش منحرف شدند؟» در حالیکه اشک از چشمانش جاری بود، به من نگاه کرد؛ گفتم: «او کامل‌ترین پدر بود، اما فرزندانش در گناه افتادند.» در ادامه گفتم که ما باید نهایت تلاش خود را بکنیم تا فرزندانمان را در طریق خداوند تربیت کنیم، اما حتی اگر در این امر بی‌نقص باشیم، باز این احتمال هست که فرزندانمان تصمیم بگیرند به راه دلخواه خودشان بروند. اما باینحال، این امید بزرگ را داریم که فرزندانمان بخشی از عهدی هستند که خدا با ما بسته و اینکه ایشان نیز متعلق به خداوندند.

## چند هشدار

● والدینی که می‌کوشند فرزندان خود را به‌خاطر نیازهای عاطفی یا مادی خود، تحت کنترل خود نگاه دارند، برخلاف روش خدا عمل می‌کنند و روزی سرخوردگی ناشی از آن را درو خواهند کرد (غلاطیان ۶:۷).

● والدینی که یکی از فرزندان خود را بیش از دیگری محبت می‌کنند به این دلیل که او بیشتر مطیع آنها است، باعث ایجاد روحیه حسادت و رقابت می‌شوند و این امر سرانجام منجر به فروپاشی خانواده می‌گردد. چه حکمتی در کلام خدا نهفته است که ما را تشویق می‌کند تا فرزندان خود را به‌برابری محبت نماییم و بکوشیم ایشان را درک کرده، مطابق نیاز، انضباط و تربیتشان کنیم! اگر ما خودمان در محبت پدر آسمانی خود احساس امنیت کنیم و در اثر آن، آنقدر از نظر عاطفی بالغ شویم که نیازمند محبت فرزندان خود نباشیم، در نهایت احساس آزادی، به تربیت و انضباط ایشان خواهیم پرداخت.

تردیدی نیست که مهم‌ترین وظیفه‌ای که خدا بر عهده ما گذارده، شبانی کردن گله کوچک خدا در خانه خودمان می‌باشد. تربیت فرزند خطیرترین وظیفه‌ای بوده که خدا بر دوش شخص من گذاشته است؛ و یقین دارم که اکثر والدین در این نظر با من شریک‌اند. ما باید فرزندان خود را طوری تربیت کنیم که بطور کامل متکی به فیض و حکمت خداوندمان عیسی مسیح باشند.

## احتمال شکست

به‌هنگام تربیت فرزندان، باید به این نکته توجه داشته باشیم که حتی اگر مهربانترین والدین باشیم و وفاداران از تمام رهنمودهای

## راز موفقیت در خدمت:

# درسی مهم از جام ملت‌های اروپا !!

بر اساس موعظهٔ شبان آلبرت بابایان (کلیسای فارسی‌زبان هامبورگ)

خداوند چه وظیفه‌ای را بر دوش ما گذاشته است؟ روح‌القدس چه عطایی به ما عنایت فرموده؟ آیا «در جای خود» خدمت می‌کنیم، یا می‌خواهیم خدمتی را انجام دهیم که به ما سپرده نشده است؟

### اتحاد و همکاری

پیش از آغاز مسابقهٔ نهایی، زمانی که بازیکنان دو تیم خود را گرم می‌کردند، بازیکنان تیم پرتغال گویی در پی خودنمایی بودند. هر یک با حرکاتی حاکی از اعتماد به نفسی کامل، با توپ تمرین می‌کرد، چون می‌دانستند که در همان لحظه میلیون‌ها نفر در سراسر جهان مشغول تماشای ایشان‌اند. اما بازیکنان تیم یونان «با هم» صحبت می‌کردند و «با هم» تمرین می‌کردند. بر آنها «روحیه‌ای گروهی» حاکم بود. آنها «متحد» بودند و می‌خواستند «در اتحاد با هم» بازی کنند. ایشان به فکر کسب افتخار شخصی نبودند، بلکه می‌خواستند «تیم» به افتخار برسد.

ما خادمین گاه طوری خدمت می‌کنیم که گویی می‌خواهیم در تمام جهان مسیحیت فارسی‌زبان فقط خودمان دیده شویم، نه حتی مسیح، چه برسد به سایر خادمین!

### اطاعت از مربی و هدایت او

به‌هنگام تماشای بازیها، متوجه نکته بسیار مهمی شدم. بازیکنان تیم یونان دائماً به هدایت‌های مربی‌شان توجه داشتند. ایشان دیگر مانند قبل، طبق دلخواه خود بازی نمی‌کردند، بلکه طبق فرمان و رهنمودهای کسی که عهده‌دار هدایت ایشان بود.

ما خادمین چگونه خدمت می‌کنیم؟ به دلخواه خود، یا طبق هدایت و نظر و دلخواه کسی که پیشوایی‌اش را پذیرفته‌ایم؟ آیا در پی اجرای ارادهٔ خود هستیم، یا در پی اجرای اراده مسیح و کسب خشنودی او؟ آیا نفس «موفقیت» برای ما مهم است، یا «انجام» اراده او و «خشنودی» او، حتی اگر در ظاهر موفقیتی برای ما به‌همراه نیاورد.

### در جای خود عمل کنیم

نکته بارز در بازی تیم یونان، این بود که هر کس «در جای خود» بازی می‌کرد. هیچکس سعی نمی‌کرد از سر خودنمایی، جای بازیکن دیگر را بگیرد. مربی می‌گفت: «وقتی کارم را با تیم یونان شروع کردم، هر کس آن کاری را می‌کرد که می‌خواست. الان آن کاری را می‌کنند که "باید" انجام دهند.»

آیا ما خادمین می‌دانیم دعوت‌مان چیست؟ آیا شبانیم؟ مبشریم؟ معلمیم؟ مشاوریم؟

در هفته‌های پیش شاهد بازیهای جام اروپایی فوتبال بودیم. در برابر حیرت تمام علاقمندان فوتبال در جهان، تیم یونان برنده این مسابقات شد، تیمی که شاید اصلاً به حساب نمی‌آمد. چه شد که تیم یونان برنده شد؟ من گرچه نتوانستم بیش از چند مسابقه را تماشا کنم، اما به مصاحبه‌هایی که خصوصاً با مربیان تیمها به‌عمل می‌آمد، توجه می‌کردم. توضیحات مربی آلمانی‌الاصل تیم یونان (آتو رهاگل) و نیز بازی نهایی پرتغال-یونان چشم مرا بر حقایق بس مهم گشود، حقایقی که در موفقیت هر خادمی نیز می‌تواند مؤثر باشد.

### نظم و دیسیپلین

آتو رهاگل می‌گفت که وقتی شروع به تمرین با تیم یونان کرد، متوجه شد که هیچیک از بازیکنان، از انضباط و دیسیپلین برخوردار نیست. هر یک از آنان آنطور بازی می‌کرد که دلش می‌خواست. نخستین کار او این بود که نظم و دیسیپلینی در میان آنان بوجود آورد.

فکر کردم این چه درس مهمی برای خادمین است. ما خادمین اگر در زندگی خود از نظم و انضباط برخوردار نباشیم، هرگز به موفقیت نخواهیم رسید. دعای ما، مطالعه کتاب‌مقدس و کتاب‌های روحانی، ملاقات‌ها، تهیه موعظه، برنامه‌ریزی برای کلیسا، همه اینها مستلزم نظم و دیسیپلین است.



فراموش می‌کنیم که موفقیت و افتخار برای مسیح و کلیسایش زمانی به دست می‌آید که «با هم» و «در اتحاد با هم» کار کنیم.

البته یک نکته را نباید فراموش کرد: «همه» خادمین بی‌تردید خواهان «اتحاد» هستند. اما متأسفانه بعضی معتقد به نوع خاصی از اتحاد هستند، اتحاد دیگران با ایشان، نه اتحاد «همه با هم». می‌گویند: «بیاید متحد شویم؛ بیاید همگی با من متحد شوید و متحداً زیر فرمان من "خدمت کنید!"» اتحاد مسیحی چنین نیست. اتحاد ما با مسیح و «با یکدیگر است زیر فرمان مسیح».

## اشتیاق و قربانی

ورزشکاری که در پی موفقیت است، و برای تمرین و بازی اشتیاق نشان می‌دهد، و وقت و نیروی خود را برای آن قربانی می‌کند. بدترین خبر برای یک ورزشکار این است که بشنود تمرین یا بازی‌اش تعطیل یا باطل شده

است. مربی ورزشکاران این اشتیاق و قربانی را حتی به‌هنگام تمرین نیز در چهره ورزشکار تشخیص می‌دهند و آن را در ارزیابیها مد نظر قرار می‌دهند.

ما خادمین باید از خود سؤال کنیم که چقدر برای خدمت خداوند دل می‌سوزانیم، چقدر اشتیاق داریم، و چقدر حاضریم برای او قربانی کنیم، نه برای کسب افتخار شخصی، بلکه برای جلال یافتن مسیح؟

## حفظ فروتنی و هشپاری

پیش از آغاز مسابقه، چیزی که در چهره بازیکنان تیم پرتغال مشاهده می‌کردم، نوعی غرور و اطمینان بود به اینکه «قطعاً» پیروز خواهند شد. اما بازیکنان تیم یونان، «هشپاری» بودند. ایشان می‌دانستند که اگر «هشپاری» خود را از دست بدهند، شکست خواهند خورد. ایشان با فروتنی «هشپاری» بودند. حتی وقتی توپ را وارد دروازه تیم پرتغال کردند، گرچه لحظه‌ای از شادی به هوا پریدند، و مربی نیز در



اما به این نکته توجه نمی‌شود که خدا از طریق شخصی که تماماً تسلیم اوست چه کارهای بزرگی می‌تواند انجام دهد. آنچه که برای دنیا مهم است، میزان انگیزه شخص است؛ اما آنچه که برای خدا مهم است، طرز فکر او است. طرز فکر ما چه تأثیری بر زندگی و خدمت ما دارد؟

طرز فکر ما تعیین‌کننده نگرش ما به زندگی است. در فیلیپیان ۴:۱۱-۱۲، پولس می‌فرماید: «آموخته‌ام که در هر حال قانع باشم.» این طرز فکر او برخاسته از یقینی راسخ از حاکمیت خدا و کفایت فیض مسیح در همه شرایط است. او بر آن شده بود تا

نسبت به امور زندگی، طرز فکری مثبت داشته باشد. یک مثال می‌تواند موضوع را روشتر سازد. دو نفر با دو سطل به سر چاهی می‌روند. هر دو آب می‌کشند. یکی شکایت‌کنان می‌گوید: «هیچ وقت سطلم پر بالا نمی‌آید!» آن دیگر می‌گوید: «هیچ وقت سطلم خالی بالا نمی‌آید!» طرز فکر شما نسبت به زندگی مطابق به کدامیک از این دو الگو است؟ زندگی پر است از سطل‌های خالی؛ ما بهترین موعظه‌های خود را زمانی ایراد کرده‌ایم که سطلمان خالی بوده است، زیرا در این زمان است که قدرت طرز فکر الهی را نشان می‌دهیم. عیسی با شادی جایگاه پر جلال خود را در آسمان ترک کرد تا به این جهان بیاید و خدمتگزار شود و

به‌خاطر ما متحمل صلیب گردد (فیلیپیان ۲:۵-۱۱). طرز فکر او مبتنی بود بر قربانی شدن در راه ما. او خود را می‌شناخت و می‌دانست خدا چه می‌کند و می‌دانست که در آخر خدا او را پیروزمند ساخته، جلال خواهد داد. طرز فکر او تعیین می‌کرد که چگونه با دعوت خود مواجه می‌شود. طرز فکر ما بیانگر این است که تا چه میزان هویت خود را در مسیح می‌شناسیم و تا چه میزان خدا را می‌شناسیم و تا چه میزان می‌دانیم که او در زندگی ما و از طریق آن چه کاری انجام می‌دهد. (ادامه دارد) ■



اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو (تیطس ۱:۲)

# کتاب مقدس و اعضای کلیسای ما

## نوشته آرمان رشدی

## مقاله هفتم: تعلیم روش مطالعه کتاب مقدس به اعضا

(کلیسا) بگمارند. آیا چنین چیزی امکان پذیر است؟ اگر امکان پذیر است، چرا در کلیسا نیاز به معلم و شبان و خادم هست؟ چرا مسیحیان نیاز دارند موعظه بشنوند و در مراحل مختلف تعلیم ببینند؟

در اینجا لازم است مختصراً مطالبی را که در شماره‌های پیشین مجله در باره ماهیت کتاب مقدس داشته‌ایم، یادآوری کنیم. کتاب مقدس کتاب داستان نیست که هر کسی بتواند بخواند و براحتی و به آسانی درک کند. برای درک درست کتاب مقدس، به تحصیلات و دانش و ابزار دقیقی نیاز هست. خادم کسی است که زحمت کشیده و از این دانش و ابزار برخوردار شده است. او برای انجام خدمت، آموزش دیده است، درست به همان شکل که مهندس برای ساختن ساختمان و پزشک برای طبابت و لوله کش برای لوله کشی آموزش دیده و تجربه کسب کرده‌اند. هر کسی استعداد ریاضیات و مهندسی ندارد؛ هر کسی استعداد فنی ندارد؛ و هر کسی ذوق هنری برای آفرینش آثار ادبی و نقاشی و غیره ندارد؛ هر کسی هم برای خدمت فرا خوانده نشده است. حتی آنانی هم که برای خدمت فرا خوانده شده‌اند، همه خدمتی واحد انجام نمی‌دهند.

### پس وظیفه خادم چیست؟

پس خادم چه انتظاری باید از اعضا

خاصی دارند؛ هر یک از آنان دعوت متفاوتی دارند. تمام این عوامل سبب می‌شود که میزان علاقه و توجه هر فرد به کتاب مقدس متفاوت باشد: برخی علاقه و اشتیاق بیشتری نشان می‌دهند و برخی دیگر کمتر.

### آیا همه اعضای کلیسا «باید» کتاب مقدس را به خوبی خادم کلیسا بدانند؟ آیا همه اعضای کلیسا «می‌توانند» کتاب مقدس را به خوبی خادم کلیسا بدانند؟

اما نکته مهم این است که «همه اعضای کلیسای ما باید با مطالب و تعالیم کتاب مقدس آشنا باشند!» پس تکلیف خادم چیست؟ خادم چگونه باید مطالعه کتاب مقدس را به اعضای کلیسای خود بیاموزد؟ خادم چه انتظاری باید از اعضای خود در زمینه مطالعه و یادگیری کتاب مقدس داشته باشد؟

### توجه به ماهیت کتاب مقدس

اگر انتظار این است که «همه» مسیحیان به برابری کتاب مقدس و علوم الهی را درک کنند و بیاموزند، پس دیگر چه نیازی به خادم هست؟ کافی است که مشربینی وجود داشته باشند و مردم را بسوی مسیح هدایت کنند و بعد، کتاب مقدسی به دست آنان بدهند و آن اشخاص که همه از نظر دانش کتاب مقدسی با هم برابرند، شخصی را به مقام هماهنگ کننده امور گروه

نهضت پروتستان که مقارن بود با اختراع دستگاه چاپ و انتشار کتاب مقدس به تعداد کثیر و ارزان، این شعار را به همراه آورد که هر فرد مسیحی مجاز است این کتاب را بخواند و آن را برای خود درک و تفسیر کند. در قرن بیستم که خواندن و نوشتن امری فراگیر شد، خادمان خدا تأکید بیشتری بر مطالعه کتاب مقدس می‌گذارند و بیش از پیش از اعضای خود تشویق می‌کنند که کتاب مقدس را بخوانند و آن را برای شخص خود درک کنند.

اما این تشویق‌ها همیشه موفق نبوده و بر همه اعضا تأثیری برابر نگذاشته است. همه خادمان خدا شاهد هستند که همه اعضا به یکسان به مطالعه کتاب مقدس اشتیاق نشان نمی‌دهند و همه به درکی درست و عمیق از آن نائل نمی‌آیند. گرچه اکثر اعضای کلیساهای ما کتاب مقدس را کم و بیش می‌خوانند، اما فقط تعداد انگشت شماری از آنان در درک آن و به یاد آوردن آیات «تبحر و تخصص» می‌یابند. اینان همان افرادی هستند که مآلاً وارد نوعی خدمت نیز می‌شوند.

بر اساس تمام این واقعیت‌ها و مشاهدات، نهایتاً این سؤال پیش می‌آید که آیا همه اعضای کلیسا «باید» کتاب مقدس را به خوبی خادم کلیسا بدانند؟ آیا همه اعضای کلیسا «می‌توانند» کتاب مقدس را به خوبی خادم کلیسا بدانند؟

به نظر می‌رسد که پاسخ این سؤالات منفی باشد! واقعیت این است که اعضای کلیسا همگی از سطح تحصیلاتی برابر برخوردار نیستند؛ هر یک از آنان میزان هوشی متفاوتی دارند؛ هر یک علاقه و ذوق



در رابطه با مطالعه کتاب مقدس داشته باشد؟ خادم در این زمینه چه اقدامی باید بکند؟

خادم باید اولاً به این نکته توجه داشته باشد که همه اعضا نمی‌توانند کتاب مقدس را آنقدر خوب بدانند که قادر باشند تعلیم درست را از تعلیم نادرست تشخیص دهند.

● همه اعضا اشتیاقی برابر برای مطالعه و یادگیری کتاب مقدس به عنوان یک کتاب ندارند.

● همه اعضا قابلیت برابر برای درک مطالب و تعلیم کتاب مقدس ندارند.

● اما همه اعضا نیاز به شنیدن کلام و تعلیم خداوند عیسی دارند.

با توجه به نکات فوق، می‌توان پی برد که وظیفه خادم در موعظه و تعلیم کلام خدا چقدر مهم و حیاتی است.

## آموزش مطالعه کتاب مقدس

خادم باید شیوه درست مطالعه کتاب مقدس را به اعضایش آموزش دهد. همانطور که اشاره کردیم، کتاب مقدس کتاب داستان نیست که بتوان خواندنش را از صفحه اول شروع کرد و تا به آخر ادامه داد. مطالعه و درک آن روش خاصی دارد. در زمینه آموزش شیوه مطالعه کلام، لازم است خادم به نکات زیر توجه کند:

● مسیحی بودن یعنی پیروی از عیسی مسیح. لذا ضروری است که مطالعه کتاب مقدس با انجیل‌ها آغاز شود. انجیل لوقا شاید بهترین نقطه آغاز باشد. در این انجیل، زندگی خداوند عیسی، از ولادت تا عروجش به آسمان ذکر شده است. تعالیم و مثل‌ها و معجزاتش نیز به اندازه کافی فراگیر است.

● در این میان، طی کلاسهای آموزشی، باید مسأله «انجیل‌های همدید» (یا همانند) باید به اعضا تعلیم داده شود تا بدانند چرا این سه انجیل به این شکل مشابه‌اند (رجوع شود به مقاله ص ۹ در شماره قبل و این شماره از مجله).

● در مرحله بعدی، مطالعه انجیل‌های متی و یوحنا بسیار مفید خواهد بود چون حاوی مطالبی هستند که در انجیل لوقا یافت نمی‌شود.

● همزمان با مطالعه انجیل‌ها، اعضا باید آموزش ببینند که مزامیر را همچون الگویی برای دعای شخصی خود بخوانند و به کار ببرند.

● پس از این مراحل، اعضا می‌توانند رسالات را بخوانند. اما برای این منظور، لازم است خادم ایشان را از ماهیت رسالات آگاه سازد، یعنی باید به ایشان تعلیم دهد که رسالات در پاسخ به مشکل خاصی در یک کلیسا یا سؤالی از سوی کلیسای خاص نوشته شده است. توجه به این امر، به درک درست تر مطالب رسالات کمک می‌کند.

● و سرانجام، نوبت به عهدعتیق می‌رسد. مطالعه عهدعتیق باید حتماً طبق دستورالعمل و راهنمایی خادم صورت گیرد.

در خصوص نحوه مطالعه کتاب مقدس و نکاتی که باید در درک بخشهای مختلف آن رعایت شود، کتاب «چگونه کتاب مقدس را درست درک کنیم» (انتشارات ایلام) می‌تواند کمک مؤثری به خادمین به منظور راهنمایی اعضا بکند.

**اگر انتظار این است که «همه» مسیحیان به برابری کتاب مقدس و علوم الهی را درک کنند و بیاموزند، پس دیگر چه نیازی به خادم هست؟**

## اهمیت موعظه تشریحی

در اینجاست که اهمیت «موعظه تشریحی» نمایانتر می‌شود. در مورد موعظه تشریحی و روش تهیه آن، در شماره‌های پیشین شبان به تفصیل سخن به میان آمده است. موعظه تشریحی بطور خلاصه یعنی انتخاب چند آیه از کتاب مقدس که مربوط به موضوعی خاص می‌شود و تشریح آنها. مفیدتر است که این آیات از عهدجدید انتخاب شوند و در تشریح آنها از عهدعتیق نیز شاهد آورده شود.

موعظه تشریحی باعث می‌شود که اولاً مسیحیان با بخشهای مختلف کلام خدا که شاید توجه چندانی به آنها نکرده بودند آشنا شوند، و ثانیاً تفسیر و تشریح

درست آنها را بشنوند.

## اهمیت قرائت‌ها

با توجه به اینکه همه اعضا کتاب مقدس را دقیق نمی‌خوانند، قرائت بخشهای مختلف کتاب مقدس در جلسات عبادتی سبب می‌شود که اعضای که کمتر به خواندن کتاب مقدس اشتیاق نشان می‌دهند، لاقلاً اجباراً مطالب کتاب مقدس را بشنوند! بهتر است قرائت‌های هر جلسه به موضوع موعظه مربوط باشند.

## اهمیت کلاسهای تعلیمی

و باز با توجه به اینکه همه اعضا کتاب مقدس را دقیق نمی‌خوانند، بسیار مهم است که خادم برای اعضای خود کلاسهای ترتیب دهد که در آنها بخشهای مختلف کتاب مقدس بطور منظم و سیستماتیک تعلیم داده شود. باز هم تکرار می‌کنیم: کتاب مقدس کتابی عادی نیست که بتوان بدون برخورداری از دانش لازم، آن را به درستی درک کرد. به همین دلیل، ضروری است که خادم به تعلیم درست مطالب کتاب مقدس همت بگمارد.

## اهمیت تعلیم اعتقادات فرقه‌ای

هر کلیسایی به فرقه و شاخه‌ای خاص از مذهب پروتستان وابسته است. مهم است که هر خادم بر حسب فرقه و شاخه‌ای که به آن وابسته است، اصول اساسی اعتقادات آن فرقه را به اعضای خود تعلیم دهد و شواهد لازم را از کتاب مقدس به آنان ارائه دهد. در ضمن، ایشان را با اعتقادات سایر فرقه‌های مذهب پروتستان آشنا سازد. مسیحیان ایرانی اغلب به یکی از این کلیساها وابسته‌اند: پرزبیتی، انگلیکن (اسقفی)، باپتیست، پنطیکاستی، لوتری. هر یک از این کلیساها، تفسیر خاص خود را از برخی تعالیم فرعی کتاب مقدس دارند.

## خادم، خادم کتاب مقدس است

به گفته گریفیت تامس، خادم پیش از هر چیز، خادم کتاب مقدس است. پس وظیفه او این است که «کتاب مقدس» را به اعضای خود تعلیم دهد. ■

# تأملاتی در زمینه انجیل‌ها

بفش دو۴

نوشته آرمان رشدی

نقل از ترجمه هزاره نو). اما آیا از این نوشته‌ها چیزی به دست ما رسیده است؟ نمی‌دانیم! امروزه، به دنبال کشفیات باستان‌شناسی، تعدادی از نوشته‌های بسیار قدیمی به دست آمده که متخصصین تاریخ نگارش آنها را به سده‌های دوم تا چهارم میلادی نسبت می‌دهند. این نوشته‌ها متنوع‌اند و به سبک‌های مختلفی نوشته شده‌اند، نظیر سبک مکاشفه، اعمال رسولان و انجیل. از آنجا که بحث ما در خصوص انجیل‌هاست، لذا فقط به معرفی آثاری که به این سبک نوشته شده‌اند و به شرح زندگی مسیح و تعالیم او پرداخته‌اند، مبادرت خواهیم ورزید.

## انجیل‌های آپوکریف

بسیاری از انجیل‌های آپوکریف (یا به انگلیسی "آپوکریف"، یعنی مجهول‌الاصول) را از نوشته‌های

بگذارند. برای آنان «آیندگانی» وجود نداشت! تمام تلاش آنان این بود که پیام انجیل را به تمامی ملت‌ها اعلام دارند تا از نسل‌روزگار خود، جماعتی را وارد ملکوت خدا سازند.

علاوه بر این، همانطور که در شماره گذشته ذکر کردیم، حافظ سنت و تعلیم شفاهی رسولان، کلیساها بودند. کلیساها می‌بایست این تعلیم را حفظ کنند تا روزی که مسیح باز گردد، بازگشتی که تصور می‌شد بسیار قریب‌الوقوع خواهد بود.

## آیا فقط ۴ انجیل بود؟

قابل ذکر است در همان زمان که این چهار انجیل رسمی و قانونی (یا کائنی) نوشته می‌شد، انجیل‌های دیگری نیز نوشته می‌شدند. حضرت لوقا این نکته را تأکید کرده، می‌نویسد: «از آنجا که بسیاری دست به تألیف حکایت‌های زده‌اند که نزد ما به‌انجام رسیده است... من نیز که همه چیز را از آغاز به دقت بررسی کرده‌ام، مصلحت چنان دیدم که آنها را به شکلی منظم برای شما، عالیجناب تئوفیلوس، بنگارم تا از درستی آنچه آموخته‌اید، یقین پیدا کنید» (لوقا ۱:۱-۴).

در شماره گذشته، نظریه‌های دانشمندان الهیات را در خصوص چگونگی نوشته شدن انجیل‌ها را به اختصار از نظر گذرانیم. در این شماره، به طرح سؤالات دیگری در مورد انجیل‌ها خواهیم پرداخت و تا حد امکان به آنها پاسخ خواهیم گفت.

## چرا اینقدر کوتاه؟!

برای آنانی که مشتاق آشنایی بیشتر با زندگی و تعالیم عیسی هستند، اغلب این سؤال مطرح می‌شود که چرا رسولان مسیح مطالب بیشتری در باره او ننوشتند. یوحنا رسول نیز می‌فرماید: «عیسی معجزات دیگر بسیار نزد شاگردان نمود که در این کتاب نوشته نشد. لیکن اینقدر نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خدا است، و تا ایمان آورده، به اسم او حیات یابید.»

یکی از دلایل عمده این امر این است که برداشت رسولان در سالهای نخستین مسیحیت این بود که خداوند عیسی در زمان حیات خود آنان باز خواهد گشت و ملکوت خدا را برقرار خواهد ساخت. آنان دیگر نیاز به این نمی‌دیدند که مطالبی به صورت نوشته برای آیندگان بر جای



پدران کلیسا می‌شناسیم. ایشان بخشهایی از این نوشته‌ها را در آثار خود نقل قول کرده‌اند. اما هیچیک از این نوشته‌ها (یا انجیل‌های آپوکریف) بطور کامل به دست ما نرسیده است.

نوشته‌های دیگری به سبک انجیل در کشفیات باستان‌شناختی به دست آمده است. برای مثال، در دسامبر سال ۱۹۴۵ در ناحیه «نج حمادی» در مصر (حدود ۵۰۰ کیلومتری جنوب قاهره)، نوشته‌های متعددی به دست آمد که دانشمندان را با دنیای جدیدی از نوشته‌های باستانی در مورد مسیح مواجه ساخت. این نوشته‌ها که احتمالاً متعلق به صومعه‌ای در همان ناحیه بوده، در حدود سال ۴۰۰ میلادی در کوزه‌ای بزرگ در دل زمین مخفی نگاه داشته شد.

بطور کلی، این نوشته‌های انجیل-مانند به مطالبی می‌پردازند که عمدتاً در انجیل‌های چهارگانه آمده‌اند. بسیاری از آنان همان مطالب را با تأکیداتی بیشتر یا تفسیرهایی اندکی متفاوت یا توضیحاتی مفصل‌تر تکرار می‌کنند. برخی دیگر (مانند انجیل کودکی به قلم یعقوب یا انجیل کودکی به قلم توما)، مطالبی در باره حضرت مریم، مادر خداوند عیسی، و لقاح مطهر و بکارت همیشگی او عنوان کرده‌اند. تاریخ‌نگارش این دست از نوشته‌ها را حدود ۱۵۰ میلادی می‌دانند. دسته‌ای دیگر از انجیل‌ها (مانند انجیل معروف حضرت توما، انجیل حضرت یعقوب، انجیل حضرت پطرس، و غیره) صرفاً به تعالیمی پرداخته‌اند که خداوند عیسی در نهان به شاگردانش ارائه فرمود. بخش عمده این

دست از نوشته‌ها حالتی گنوسی دارد (مکتب گنوسی بر این عقیده بود که خداوند عیسی تعالیمی نهانی و رازگونه به شاگردان برگزیده‌اش داد و ایشان آن را به افراد خاصی سپرده‌اند که قابلیت درک آن را دارند. چنین افرادی با این معرفت خاصی که کسب می‌کنند، مسیحیان برتری هستند که به درجه‌ای اعلی می‌رسند).

### تفاوت انجیل‌های آپوکریف با انجیل‌های چهارگانه

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انجیل آپوکریف با انجیل‌های چهارگانه، همانطور که اشاره کردیم، حالت گنوسی آنها است. برخی از دانشمندان معتقدند که شاید این انجیل‌ها در شکل اصلی خود، معتبر بوده‌اند، اما در قرن دوم یا سوم میلادی، مطالبی از سوی گنوسی‌ها به آنها افزوده شده تا تعالیم آنان را مورد تأیید قرار دهد. از اینرو، بعدها از سوی شورای کلیساها (که به شرح آن خواهیم پرداخت) رد شده است.

تفاوت دیگر این است که انجیل‌های همدید (یا همانند؛ یعنی انجیل‌های متی و مرقس و لوقا) الگوی مشخصی را دنبال می‌کنند (که در شماره گذشته به آن اشاره کردیم). این الگو اینچنین است: (۱) رسالت یحیی و تعمیم عیسی؛ (۲) دعوت از شاگردان؛ (۳) تعالیم و معجزات عیسی و مناقشه متعاقب آن با سران یهود؛ (۴) روزهای آخر در اورشلیم؛ (۵) مصائب مسیح؛ (۶) ماجرای قبر خالی؛ (۷) ظهورهای خداوند عیسی بر رسولان. همانطور که در شماره پیش گفتیم، این همان طرح کلی «موعظه رسولان» (در

اصطلاح فنی: «کریگما») می‌باشد. اما انجیل‌های آپوکریف مطلقاً از این الگو متابعت نمی‌کنند، بلکه هر یک بر مطلبی مستقل متمرکز می‌شود، یعنی یا بر کودکی او یا بر تعالیم او، یا تکرار همان مطالب اناجیل همانند با تأکیدات یا تفسیرهایی اندکی متفاوت.

### اهمیت انجیل‌های آپوکریف

آیا انجیل‌های آپوکریف از اهمیت خاصی برخوردارند؟ باید گفت که قطعاً اینچنین است. گرچه در این اناجیل مطالبی هست که در انجیل‌های قانونی (کائنی) ذکر نشده، اما مطالب آنها تناقضی با اعتقادات مسیحیت راست‌آیین در مورد مسیح و راه نجات ندارد. در همگی آنها بگونه‌ای یکدست، عیسی ناصری همان مسیح موعود و پسر خدا و صاحب الوهیت معرفی شده است. گرچه در آنها افراط‌هایی در برخی تعالیم مشاهده می‌شود (مثلاً تأکید بر زندگی مبتنی بر ریاضت و پرهیز از ازدواج)، اما کلاً همگی بر صلیب به‌عنوان راه نجات تأکید می‌گذارند. لذا علی‌رغم چنین تفاوت‌هایی، اناجیل آپوکریف شاهدی است محکم بر انجیل‌های قانونی (کائنی).

### چرا انجیل‌های آپوکریف رد شد؟

حال این سؤال پیش می‌آید که چرا این انجیل‌ها جزو عهدجدید قرار نگرفتند و فقط این چهار انجیل موجود جنبه قانونی یافت.

پیش از هر چیز باید توجه داشت که طبق عهدجدید، انجیل در مفهوم مژده نجات، فقط «یکی» است.



پولس رسول با طعنه به مسیحیان قرن‌س می‌فرماید: «زیرا اگر کسی نزدتان بیاید و... انجیلی غیر از آن انجیل که شنیدید به شما عرضه کند، به آسانی تحملش می‌کنید» (۲ قرن ۴:۱۱، هزاره نو). به مسیحیان غلاطیه نیز می‌فرماید: «اما حتی اگر ما یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد!» (غلاطیان ۸:۱، هزاره نو). این حقیقت در مرقس ۱:۱ نیز منعکس است. در نظر رسولان، فقط «یک» انجیل وجود داشت.

زمانی که بر حسب ضرورت، انجیل به صورت نوشته در آمد، هر جامعه مسیحی انجیلی را که در دست داشت، همان «انجیل یگانه» تلقی می‌کرد. هیچ اشاره‌ای نیست مبنی بر اینکه نویسنده هر انجیل انتظار این را داشت که مسیحیان حوزه خدمت، انجیل دیگری (یعنی کتاب انجیل دیگری) به غیر از آنچه که او نوشته بخواند، چون او آن انجیل را همان «انجیل یگانه» می‌دانست. شاید به همین دلیل باشد که متی و لوقا مطالب خود را به جای اینکه بطور جداگانه در کنار انجیل مرقس قرار دهند، آنها را به آن افزودند و کتاب واحدی بوجود آوردند. اما در قرن دوم، وقتی این چهار انجیل معتبر به مناطق جدید راه یافت، پدران کلیسا آغاز به استفاده از اصطلاح «چهار انجیل» کردند.

اما چه شد که این «چهار انجیل» از سایر نوشته‌های انجیل-مانند (آپوکریف) متمایز و برجسته شدند؟

یکی از عوامل تعیین‌کننده در برجسته شدن این چهار انجیل، مسأله هویت

نگارنده آنها بوده است. این چهار انجیل یا مستقیماً منسوب به یکی از رسولان بوده، یا به یکی از شاگردان آنان. لذا آنها از اعتبار رسالتی برخوردار بودند.

اما این فقط یکی از عوامل بود. عامل دیگر، مسأله محتوای نوشته بود که می‌بایست با اصول اعتقادات رایج در کلیساها (یعنی اصولی که نزد اسقفان سراسر جهان مقبولیت داشت) منطبق باشد. در حدود سال ۱۹۰ میلادی، سراپیون، اسقف انطاکیه متوجه شد که در شهر «روسوس» انجیل پطرس را قرائت می‌کنند. اما چون پی برد که «دوسه‌تستها» از این انجیل برای تأیید تعالیم نادرست خود استفاده می‌کنند، قرائت آن را منع کرد. این امر بعدها مورد تأیید سایر اسقفان نیز قرار گرفت.

بدینسان، تا سال ۲۰۰ میلادی، نوشته‌های مختلف در مورد زندگی و تعالیم خداوند عیسی، پس از عبور از صافی‌های مرجعیت رسالتی و محتوای راست‌آیینی، منجر به مقبولیت انحصاری این چهار انجیل گردید. سایر انجیلها به علت ممنوعیت قرائتشان از سوی اسقفان، به تدریج از میان رفتند، تا اینکه در دهه‌های گذشته، برخی از آنها مجدداً کشف گردید. البته فرایند این پذیرش و مقبولیت از همان اوایل قرن دوم، یعنی اندکی پس از نگارش انجیل یوحنا، آغاز شده بود و این امر در نوشته‌های پدران کلیسا در تمام این قرن بازتاب یافته است.

شاهد نیرومند بر این مدعا، اقدام «تاتیان»، اهل سوریه است. تاتیان از پدران کلیسا است که بین سالهای ۱۵۰ تا ۱۶۵ در روم به مسیحیت گروید. او در بازگشت به مشرق‌زمین، چهار انجیل

قانونی را در هم تنید تا یک انجیل بوجود آورد که آن را «دیاتسارون» نامید، یعنی چهار در یک. در این کتاب، تمامی اجزاء چهار انجیل آمده، بدون اینکه مطلبی از قلم بیفتد یا تکرار شود. تهیه دیاتسارون نشان می‌دهد که در اواسط قرن دوم، کلیساها فقط این چهار انجیل را معتبر می‌شماردند. دیاتسارون تا قرن پنجم میلادی، انجیل رسمی کلیسای سریانی (معروف به کلیسای ایران) بود، ولی در این قرن، این کلیسا مانند سایر کلیساهای جهان، چهار انجیل را جزو کتب قانونی خود برشمرد. کتاب دیاتسارون از حدود ۴۰ سال پیش در ایران تحت عنوان «فروغ بی‌پایان» و «فروغ جاویدان» منتشر شد.

عامل دیگری که باعث تسریع در فرایند برتری یافتن این چهار انجیل گردید، مسأله مبارزه با بدعت‌های مختلف بود. مهم‌ترین بدعت در اوایل مسیحیت، تعالیم گنوسی بود که قبلاً بدان اشاره کردیم. این بدعت به علت جذابیتش برای دوستداران فلسفه و معرفت‌رازگونه، بسرعت گسترش می‌یافت. پدران کلیسا برای مبارزه با این بدعت مهلک، لازم بود ارکان ایمان و اعتقاد صحیح را اعلام دارند؛ و این ارکان عبارت بود از نوشته‌های مقدس و معتبر مسیحیت از یک سو، و کلیسا به عنوان نگهبان تعلیم راستین رسولان. به این شکل، مرجعیت این چهار انجیل و رسالات معتبر رسولان خیلی زود مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت.

بعدها، تا پیش از سال ۴۰۰، مرجعیت و حجیت ۲۷ کتاب عهدجدید رسماً در چندین شورای کلیسایی مورد تأیید قرار گرفت. ■

پتھان